

سپهر

قیمت: ۱۴ صلوات به نیت سلامتی امام زمان
شماره چهارم / سال اول / اسفند ماه ۱۳۹۹

رجب الحرام

تقویم ماه رجب

سوم رجب: شهادت امام هادی (ع)

دهم رجب: ولادت حضرت علی اصغر (ع)

و حضرت امام جواد (ع)

سیزدهم رجب: ولادت حضرت علی (ع)

پانزدهم رجب: وفات حضرت زینب (س)

بیست و پنج رجب: شهادت امام کاظم (ع)

بیست و هفت رجب: مبعث حضرت رسول اکرم (ص)



نشریه دانشجویی فرهنگی مذهبی مسیر نور

نشریه داخلی دانشگاه هنر اسلامی تبریز/پخش درون دانشگاهی

زیر نظر مدیریت امور فرهنگی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

تیراژ : ۱۲۰ جلد

قطع چاپ : A4

صاحب امتیاز

کانون قرآن وعترت دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مدیر مسئول وسردبیر

محمدحسین علیزاده فرد

طراحی لوگو

همایون نصیری

طراحی جلد و صفحه آرایبی

محمدحسین علیزاده فرد

استاد مشاور

دکتر نفیسه مصطفوی

هئیت تحریریه

دکتر نفیسه مصطفوی

شماره :چهارم تاریخ : اسفند ماه ۱۳۹۹

قیمت : ۱۴ صلوات به نیت سلامتی امام زمان

 masirnoor313_tiau

فهرست

بخش هایی از فرمایشات رهبری در دیدار مردمی با مردم آذربایجان به مناسبت سالروز قیام ۲۹ بهمن

۲

مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه

۳

زندگی نامه امام هادی

۷

مُرَجَّب

۹

سه روز با خدا

۱۰

محل تولد...حریم امن الهی ، کعبه

۱۱

ادبیات

۱۳

پوستر مسابقه کتاب خوانی

۱۵

معرفی کتاب

۱۶

یا أَسَدَ اللَّهِ الْغَالِبِ عَلٰی بْنِ اَبی طَالِبٍ

حیدر الکرار صلوات الله علیه

نکات قابل تأمل بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی به مردم آذربایجان بمناسبت قیام ۲۹ بهمن مردم تبریز

.تعطیلی موقت باعث نشود از دعا ، ذکر و عبادات غافل شویم

.دامنه افتخارات تبریز بسیار گسترده اس

.تبریز از لحاظ نخبه پروری در علم و نخبه پروری در هنر و سیاست ممتاز بوده است

.تبریز یک منطقه جریانساز و ایجاد کننده تحول بوده است

.آذربایجان دژ استوار ایران در مقابله به تعرضات دشمنان بوده است

.آذربایجان دو ویژگی هویتی مهم داشته است. همیت به اسلام و غیرت به ایران بوده است

.تبریز معدن چهره ها و شخصیت ها و مجاهدتها بوده است

.در مسائل مقدماتی انقلاب سه نفر از علمای تبریز شهید قاضی و مدنی و شهید باکری پیشقدم بوده اند

.سه خصوصیت مردم آذربایجان از نگاه امام (ره)، شجاعت، غیرت و تدین (در بیانیه بعد از قیام ۲۹ بهمن) ذکر شده است

.تبریزیها مبتکر چهارم گرفتن برای شهدای انقلاب شدند و ۱۹ دی قم اگر تبریزیها نبودند، به فراموشی سپرده می شد

.در دوران دفاع مقدس لشکر عاشورا یک لشکر خط شکن بود

.کسانیکه در مقابل فتنه خلق مسلمان ایستادند، خود تبریزیها بودند و حتی تبریزیها در حادثه ۸۸ یکروز جلوتر از تهران و سایر شهرها

.در مقابل فتنه عمل کردند

.علت دشمنی استکبار این بود که جمهوری اسلامی ایران هنجارهای سلطه گران را رد کرده بود

.اصل قضیه دشمنی دشمنان این است که نظام اسلامی شریک سلطه گری آنان نمی شود

.داشتن یک زیربنای مستحکم فکری، دشمن اصلی دشمنان است و در بیانات امام راحل این زیر بنای فکری و عقیدتی متجلی است که

.این زیربنا از قران و متون اسلامی گرفته شده و باید متفکران ما این زیربنا را در جلوی پویندگان راه قرار دهند

برای نگهداشتن کشور باید جان را کف دست گرفت. مثل شهیدان سلیمانی و باکری

باید تنبلی و بیکاری را نفی کنیم . در قیام مردم تبریز هم خصوصیات مقابله با تنبلی مشهود است. هر گاه مجاهدت شد، هدایت هم

.هست و حتی موفقیت و پیشرفت هم خواهد بود

.اگر در این راه مستقیم حرکت کنید، مشکلات و گرفتاریها حل خواهد شد

.دستاوردهای انقلاب واقعا حیرت آور است. مثلا انقلاب توانست کشور را از لحاظ عقب ماندگی علمی و سیاسی و اقتصادی از وابستگی

.و طفیلی بودن نجات دهد .و انرا عزیز کند

.انقلاب، ایران را ملتی ابرومند پرتحرک و پر نشاط ساخت مثل رزمایش کمک مومنانه و حضور جوانان فعال مثال زدنی است

.بحث دیگر از دستاوردهای انقلاب سرنگون شدن رژیم سلطنتی پهلوی و بروز و پیروزی انقلاب اسلامی بدست مردم با رهبری امام

. راحل است

.دانشگاهها و زیرساختها و تقویت نیروی نظامی و غیره ...از دیگر برکات نظام اسلامی است و امروز بمراتب کشور ما یک کشور قدرتمند

. از لحاظ دفاعی است

.یکی دیگر از دلایل شیطنت امریکا و دشمنان پیش روندگی ایران اسلامی است

ما کتمان نمی کنیم در بخش هایی نیز عقب ماندگی داشتیم و ان بخاطر انقلابی عمل نکردن ماست در این بخش ها مثل معیشت مردم

...به عبارتی اینها باب شان انقلاب نیستند

.دشمن روی ناکامی های ما متمرکز شده و می خواهد جوانان را نسبت به آینده بدبین می کنن و مردم امروز نسبت به نابسامانیها

(حساس ترند و با فساد مبارزه می کنند و این را باید تقویت با دستاوردها (جوانان مبتکر و جویای کار

باید از گذشته بهره بگیریم برای آینده

.ظف انتخابات یک فرصت و ظرفیت برای کشور هست و این هر چه پر شورتر باشه اثراش برای مردم بیشتر است. دشمن نزدیک انتخابات

در فکر مایوس کردن ملت است . اگر یک نیروی پر انگیزه توسط مردم انتخاب شودبسیاری از مشکلات حل می شود. علاج درد های

.مزن کشور حضور پر شور درانتخابات و انتخاب اصلح است

مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه آینه ای است که سیمای پر فروغ قائم آل محمّد(علیهم السلام) در آن گرچه اندک، ولی زیبا، پرجاذبه، نویدبخش، دل انگیز و تحرّک آفرین تجلی کرده و همچون جام بلورینی است که زمزم سخنان علوی درباره فرزندش مهدی موعود(علیه السلام)در آن ریخته شده است

در عصری که جهالت مدرن، عالم و آدم را به سراشیب سقوط نزدیک نموده و بی عدالتی، ستم سالاری، معنویت ستیزی، اخلاق گریزی و هزاران فاجعه هولناک دیگر در جهان بیدامی کنند و آینده بشر هر روز تاریک تر شده، وحشت و ناامیدی رو به افزایش است، بحث از مهدویت از هر زاویه که انجام شود در حقیقت بحث از نوپدها، سعادت ها، شادکامی ها، پیروزی معنویت، اخلاق، عدالت، تقوا، ترسیم آینده درخشان برای بشر و از جمله خواست‌های الهی و انسانی است. بنابراین، بحث و تحقیق درباره حضرت مهدی(علیه السلام) از ضروری ترین و مهم ترین رسالت‌های دین پژوهان در عصر کنونی محسوب‌می شود. و چون نام نهج البلاغه برای همگان، بخصوص نسل پویا و نواندیش و جوان، زیبا و دل انگیز است، طرح بحثی تحت عنوان «مهدی (عج) و مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه» ضروری‌می نماید و برای عاشقان حضرت مهدی (عج) مفید و پرجاذبه خواهد بود

نوشته حاضر سعی نموده است تا جلوه ای از سیمای پر فروغ حضرت مهدی(عج) را در آینه نهج البلاغه نشان دهد

مهدویت و استمرار خلافت الهی

از جمله مسائل مهم و اساسی در بحث مهدویت، جریان خلافت الهی است زیرامسئله خلافت الهی در زمین، که خدای سبحان در قرآن کریم فرمود:(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (بقره: ۳۰)

همچون داستان سفینهٔ نوح و یا کشتی حضرت موسی و خضر(علیهما السلام) و مانند آن ها نیست که یک موضوع شخصی و معینی بوده و سپری شده باشد، بلکه جریان خلافت یک فیض متصل و فوز مستمر است که از اول با اندیشه دوام و انگیزه استمرار طرح شده است، به گونه ای که اصل خلافت از قلمرو نبوّت و رسالت فراتر رفته و به امامت رسیده است. به این دلیل، در بحث مهدویت، جریان استمرار خلافت الهی در زمین از مباحث ظریفی است که نمی توان از کنار آن به سادگی گذشت از این رو، در نهج البلاغه در بحث ضرورت حجت در عالم، بر عنصر خلافت الهی در زمین تکیه شده است و حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) در کلام مبسوطی در این باره‌می فرماید: «اللّٰهُمَّ بَلِّیْ، لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلّٰهِ بِحِجَّةٍ، أَمَّا ظَاهِرُهُ مُشْهُودًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ. وَ كَمْ ذَا؟ وَ أَيْنِ أَوْلَئِكَ؟ أَوْلَئِكَ وَ اللَّهُ الْأَقْلَوْنَ عِدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَاللّٰهِ قَدْرًا. یَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَّتَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ... أَوْلَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدَّعَاةُ اِلَی دِینِهِ. آه! آه! شَوْقًا اِلَی رُؤِیْتِهِمْ.» حضرت در این فراز نورانی، که بخشی از کلام مبسوط ایشان است،می فرماید: آری خداوندا، زمین هیچ گاه از حجت الهی که برای خدا با برهان روشن قیام کند، خالی نیست، یا آشکار و شناخته شده است، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نروند، تعدادشان چقدر است؟ و در کجا هستند؟ به خدا سوگند که تعدادشان اندک است، ولی نزد خدا بزرگ مقدارند که خداوند به وسیله آنان، حجت ها و نشانه‌های خود را نگاه‌می دارد... آن ها جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند. آه، آه! چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم

در کلام پربرکت امیرمؤمنان(علیه السلام) بر این نکته تأکید شده که بر اساس سنّت قطعی الهی، زمین از وجود خلیفه خدا و حجت حق خالی نیست، گرچه حجت الهی گاهی آشکار است و همگان حضور او را درک‌می کنند، گاهی شرایط ایجاب‌می کند که از نظرها پنهان بوده و مردم به طور مستقیم از درک محضر او محروم باشند. این نکته همان حقیقتی است که در مکتب اهل بیت(علیهم السلام) مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. امام صادق(علیه السلام)می فرماید: «لَوْ بَقِیَتْ الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ لَسَاحَتْ» اگر جهان لحظه ای بدون امام و انسانی کامل باشد از هستی ساقط‌می گردد

امام محمّدباقر(علیه السلام) نیزمی فرماید: «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ لِمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ» اگر حجت الهی لحظه ای از زمین برداشته شود زمین همانند دریا دچار موج طوفان‌می گردد

این گونه کلمات ائمه اطهار(علیهم السلام)، بعدها زمینه مباحث ظریفی را در آثار بزرگان اهل حکمت فراهم نمود. شیخ اشراق با الهام مستقیم و صریح از کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) درباره ضرورت انسان کامل در عالم، با اصرار فراوان گفته است: «وَ لَا یَخْلُوا الْأَرْضَ عَنْ مَتَوَعِّلٍ فِي التَّالَةِ أَبَدًا، بَلْ قَدْ یَكُونُ الْإِمَامُ الْمَتَّالُهُ مُسْتَوِلِيًّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا، وَ قَدْ یَكُونُ خَفِیًّا، وَ هُوَ الَّذِی سَمَّاهُ الْكَافَّةَ بِالْقَطِبِ، فَلَهُ الرِّئَاسَةُ وَ إِنْ كَانَ فِي غَايَةِ الْخُمُولِ.»۴حکیم نام برده در این بیان بر همان نکته ای اصرار ورزیده که در کلام ائمه هدی(علیهم السلام) بدان عنایت شده است گفته: هیچ گاه زمین بدون انسان الهی و ربّانی نیست، اگرچه آن پیشوای متألّه گاهی حاضر و آشکار و زمانی از نظرها پنهان است، و او همان کسی است که نوعا در عرف، از او به قطب یاد‌می شود و او پیشوای همگان است، گرچه در نهایت خاموشی باشد

از مجموع آنچه گفته شد، بخصوص سخنان امیرمؤمنان(علیه السلام)، به خوبی روشن‌می گردد که وجود حضرت مهدی موعود(علیه السلام) در عالم به عنوان حجت الهی و استمرار خلافت او در زمین ضرورتی انکارناپذیر دارد و جزو حقایق حتمی و قطعی نظام آفرینش است، به ویژه آنکه در روایات یاد شده، جریان ضرورت حجت الهی فراتر از مسائل شرعی و مدیریت اجتماعی مطرح شده و به عنوان نیاز قطعی نظام تکوینی به شمار آمده است زیرا انسان کامل واسطه فیض الهی در عالم است و عالم و آدم در پرتو او، فیض الهی دریافت‌می کنند

حضرت مهدی (عج) و عدالت جهانی

بی تردید موضوع تأمین «عدالت» عمومی ترین و شورانگیزترین مسئله در بحث مهدویت است و چون واژه «عدالت» در فرهنگ و اصطلاح نهج البلاغه، بلکه در تمام کلمات علوی بیت الغزل سخنان امیرمؤمنان(علیه السلام) است، از این رو، در بحث مهدویت نیز بر عنصر عدالت تکیه نموده و از پدید آمدن عدالت در ابعاد گوناگون در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)خبر داده است می فرماید: «وَ سَیَأْتِیَ غَدٌ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ یَأْخُذُ الْوَالِیَ مِنْ غَیْرِهَا عَمَالُهَا عَلٰی مَسَاوِیْ أَعْمَالِهَا... فِیْرِیْکُمْ کَیْفَ عَدْلِ السَّیِّرَةِ» فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست خواهد آمد، زمام داری که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است، (مهدی) عمّال و کارگزاران حکومت ها را به اعمال بدشان کیفر خواهد داد... بدین روی، روشی عادلانه در حکومت حق به شمامی نمایاند

و در جایی دیگرمی فرماید: «إِلَا وَ مَنْ إِدْرَكَهَا مَتًّا یَسْرِی فِیْهَا بِسَرَّاجٍ مَنِیرٍ، وَ یَخْذُوفِیْهَا عَلٰی مِثَالِ الصَّالِحِیْنَ لِیَحِلَّ فِیْهَا رِبْقًا وَ یَعْتَقَ رَقًا وَ یَصْدَعُ شَعْبًا وَ یَشْعَبُ صَدْعًا» بدانید آنکه از ما (مهدی) فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام‌می نهد و بر همان سیره و روش صالحان (پیامبر و امامان(علیهم السلام)) رفتارمی کند تا گرّه ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گم راه و ستمگر را پراکنده و حق جویان را جمع آوری‌می کند

ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، که از علمای بزرگ اهل سنّت است، در ذیل این کلام حضرت‌می گوید: امیرمؤمنان علی(علیه السلام) یادآوری نموده است که مهدی آل محمّد(علیهم السلام) در تاریکی فتنه ها با چراغ روشن ظهور‌می کند و مردم را از بردگی و اسارت رهایی داده و مظلومان ستم دیده را از دست ستمگران نجات‌می دهد.

در سخنان حضرت سه نکته اساسی به خوبی مورد توجه قرار گرفته اند

اول. حضرت مهدی(علیه السلام) وقتی در برابر فتنه ها و بی عدالتی‌های اجتماعی قرار‌می گیرد با چراغ پرفروغ حکمت و درایت الهی وارد عمل شده، در پرتو دستورات وحی آسمانی و قرآن کریم، به ایجاد عدالت و خاموش نمودن شعله‌های بی عدالتی‌می پردازد

دوم. تمام ستم دیدگان عالم توسط حضرت مهدی(علیه السلام) از قید اسارت‌های گوناگون و بی عدالتی رهایی یافته، زندگی همراه با سعادت و شادکامی برای آنان فراهم‌می گردد

سوم. سیره عملی حضرت مهدی(علیه السلام) همان سیره صالحانی است که حضرت امیرمؤمنان در نهج البلاغه درباره آن ها فرموده: «اللّٰهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ یَكُنْ الَّذِی كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِی سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَايُسَ شَیْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحُطَامِ وَ لَیْکِنْ لَنُرَدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِیْنِکَ وَ نَظْهَرُ الْإِصْلَاحَ فِی بِلَادِکَ فَبِأَمِّنِ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِکَ وَ تَقَامُ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِکَ.»

در این کلام، بر خطوط کلی روش و عملکرد ائمه اطهار(علیهم السلام)که حضرت مهدی آخرین پرچمدار آن هاست، توجه داده شده، حضرت‌می فرماید: «خدایا تومی دانی آنچه از ناحیه ما (اهل بیت(علیهم السلام)) صورت‌می گیرد برای به دست آوردن قدرت و حکومت و ثروت دنیا نیست، بلکه‌می خواهیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خودش بازگردانیم و در سرزمین تو اصلاح پدید آوریم تا بندگان ستم دیده ات از محرومیت نجات یافته، با امنیت زندگی کنند و قوانین فراموش شده ات بار دیگر اجرا گردند

بدین سان، معلوم است که از نظر نهج البلاغه، تأمین عدالت در همه ابعاد زندگی بشر، یکی از اهداف بزرگ دولت کریمه حضرت مهدی(علیه السلام) است و جهانیان در سایه حکومت الهی عدل گستر جهانی قائم آل محمّد(علیهم السلام)، از هرگونه ستم و اسارت و بردگی نجات یافته، طعم شیرین عدالت را به خوبی خواهند چشید چنان که در جای دیگر آمده است: روزی حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) در اندیشه بود، شخصی از ایشان سبب تفکرش را جویا شد، حضرت در پاسخ فرمود: «تَفَكَّرْتُ فِی مَوْلُودٍ یَكُونُ مِنْ ظَهْرِی، الْحَادِیْ عَشَرَ مِنْ وُلْدِی، وَ هُوَ الْمَهْدِیْ یَمْلَأُهَا عَدْلًا کَمَا مَلَأْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا»۹ درباره فرزند یازدهم خود مهدی‌می اندیشم که روزی ظهور خواهد کرد و زمین را از جور و ستم پاک نموده، لبریز عدالت خواهد کرد

حضرت مهدی(علیه السلام) و آسایش اقتصادی بشر

یکی از رهاوردهای دولت کریمه مهدی موعود(علیه السلام)، که در نهج البلاغه مورد اشاره قرار گرفته، تأمین رفاه و آسایش اقتصادی بشر در زمان حکومت آن حضرت است که از طریق وفور نعمت و برکت‌های زمینی و آسمانی تأمین‌می شود امیرمؤمنان(علیه السلام) درباره نعمت‌های زمین در عصر ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)می فرماید: «تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِیذَ کَبِدْهَا وَ تَلْقٰی اِلَیْهِ سَلْمًا مَقَالِیذَهَا» در زمان ظهور حضرت مهدی، زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون‌می ریزد و کلیدهایش را به اومی سپارد

مسئله وفور نعمت و رفاه اقتصادی مردم در زمان حکومت حضرت مهدی(علیه السلام)، حقیقتی است که در روایات فراوان به آن اشاره شده است و از آن میان، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)می فرماید: «... و تَزِيدُ الْمِيَاءَ فِي دَوْلَتِهِ وَ تَمُدُّ الْإِنهَارَ وَ تَضَعُفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَ سَتَخْرُجُ الْكُنُوزُ»در زمان برقراری دولت مهدی، آب ها فراوان می گردند و نهرها کشیده می شوند، برکات زمین افزایش می یابند و گنج ها استخراج می گردند

در همین زمینه، عارف بزرگ سعدالدین حموی نیز بر مسئله آسایش و رفاه اقتصادی مردم در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) تأکید نموده و گفته است: «صاحب زمان که علم به کمال دارد، تمامت روی زمین را به عدل آراسته گرداند و تمامت گنج‌های روی زمین بر وی ظاهر گردند، هرچند صفت وی کنم از هزار یکی نگفته ام.»

یکی دیگر از بزرگان اهل معرفت نیز گفته است: «در ایّام حکومت حضرت مهدی(علیه السلام) مردم روزگار سرسبز و پر طراوتی دارند، رزق و روزی در آن ایّام فراوان می شود و مردم در کمال امنیت به عبادت خدای رحمان می پردازند.»

حضرت مهدی(علیه السلام) و اصلاح فکری - فرهنگی بشر

گرچه برداشت عمومی از تأمین عدالت در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) معمولا عدالت اجتماعی و اصلاح امور اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت‌های جهانی است، اما حقیقت آن است که با ظهور مصلح کل، حضرت مهدی(علیه السلام)، عدالت و اصلاح در تمام شئون هستی پدیدمی آید و پیشه و اندیشه بشری اصلاح می گردد و عقل انسان ها در هر دو بعد علمی و عملی تعدیل می شود بدین بیان که اکنون به سبب فاصله گرفتن بشر از معارف وحی، تمام قوای ادراکی و تحریکی او در مرداب افراط و تفریط گرفتار آمده و هر روز که بر جامعه بشری می گذرد، مکتب‌های جدیدی در شرق و غرب جهان پدیدمی آیند و طرح ها و الگوهای فکری، فرهنگی و سیاسی گوناگونی را عرضه می کنند و نسل‌های بشر را یکی پس از دیگری از مسیر انسانی منحرف کرده، در معرض سقوط فکری، فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی قرارمی دهند. اما با ظهور ذخیره هستی، مهدی موعود(علیه السلام)، همه مکتب‌های غربی و شرقی و مذاهب گوناگون افراطی و تفریطی در هم پیچیده می شوند و بشر در سایه احکام و دستورات آسمانی، از گرداب هوا و هوس نجات می یابد و فکر و فرهنگ او اصلاح می شود

در این باره، امیرمؤمنان(علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: «يُعْطَفُ الْهَوَى عَلَى الْهَدَى إِذَا عَظَفُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى، وَ يُعْطَفُ الرَّأْيُ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السَّنَةِ» (حضرت مهدی) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار داده اند، و در حالی که نظریه‌های گوناگون، خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او (مهدی) نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد و کتاب خدا و سنت پیامبر را زنده می گرداند ابن ابی الحدید در ذیل این کلام حضرت می نویسد: «این سخن امیرمؤمنان اشاره است به امامی که در آخرالزمان خواهد آمد و در روایات فراوان، از آمدن او خبر داده شده و با ظهور او، هدایت قاهره پدید آمده و عمل به رأی و قیاس از میان رفته، برابر قرآن کریم رفتار می شود.»

همچنین در جای دیگری از نهج البلاغه از حضرت مهدی(علیه السلام) به عنوان «يَعْسُوبُ الدِّينِ» و کسی که مردم اطراف او را همانند ابر متراکم فرامی گیرند یاد شده و آمده است: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ فَرْعُ الْخَرِيفِ»چون آن گونه شد، پیشوای دین قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او همچون آبر پاییزی گرد آیند

مهدویت یا وراثت حکومت مستضعفان

از مسائل دیگری که در نهج البلاغه درباره جریان مهدویت بدان اشاره شده، این است که ظهور مهدی موعود(علیه السلام) به عنوان وارث حکومت مستضعفان جزء اراده و خواست حتمی الهی است که به طور یقین، روزی تحقق خواهد یافت زیرا به گفته بعضی از بزرگان اهل حکمت، بشر از زمانی که در زمین سکنا گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت بوده است و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نمی داشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد انسان ها نقش نمی بست چنان که اگر غذایی نبود گرسنگی نبود، و اگر آبی نبود تشنگی تحقق نمی یافت. از این رو، به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که در آن روز، جامعه بشری پر از عدل و داد شود و مردم با صلح و صفا همزیستی نمایند و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند، و این آرزو و خواست عمومی به دست مهدی موعود(علیه السلام) تحقق خواهد یافت. از این رو، امیرمؤمنان(علیه السلام) می فرماید: «لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا، عَظْفُ الْفَرَّوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ:(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)»دنیا پس از سرکشی به ما روی می کند چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. پس حضرت این آیه را تلاوت نمود که خداوند می فرماید: اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذارده، آنان را امامان و وارثان حکومت ها گردانیم

ابن ابی الحدید ذیل این کلام حضرت می نویسد: «به اتفاق شیعه و سنی، این کلام حضرت علی(علیه السلام) اشاره به ظهور امامی است که در آخرالزمان پدیدمی آید و سراسر زمین را تحت حکومت خویش درمی آورد.»

پرتوی از سیمای یاران حضرت مهدی(علیه السلام)

یکی از مسائل دیگری که در نهج البلاغه درباره حضرت مهدی(علیه السلام) آمده مسئله یاران و کارگزاران دولت کریمه آن حضرت است. امیرمؤمنان(علیه السلام) از کارگزاران دولت حضرت مهدی(علیه السلام) چنین یادمی کند: «ثُمَّ لِيَشْخِذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَخَذَ الْقَيْنَ النَّصْلَ، تَجَلَّى بِالتَّنْزِيلِ ابْصَارَهُمْ، وَ يَرْمِي بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يَغْبِقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَالصُبُوحِ» سپس گروهی برای در هم کوبیدن فتنه ها آماده می گردند، و چون شمشیرها صیقل می خورند، دیده هایشان با قرآن روشنایی می گیرند و در گوش هایشان تفسیر قرآن طنین افکنده و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سرمی کشند

ابن ابی الحدید در ذیل این فراز نورانی کلام حضرت آورده است: وصف این گروه آن است که پرده از جان آنان برداشته شده، معارف الهی در دل هایشان ایجادمی شود و درک اسرار باطنی قرآن به آنان الهام می گردد و جام حکمت را در هر صبح و شام سرمی کشند و بدین سان، معارف ربّانی و اسرار الهی همواره بر قلب آنان افاضه می گردند و آنان کسانی اند که

بین پارسایی و شجاعت و حکمت جمع نموده و سزاوارند که یاور ولی الهی باشند که قرار است بیایند.

اما در تحلیل این کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) به طور خلاصه باید گفت: حضرت به دو ویژگی مهم یاران مهدی موعود(علیه

:السلام) اشاره نموده است

الف. ویژگی‌های فرهنگی

چون حضرت مهدی(علیه السلام) برای اجرای عدالت و اصلاح بشر در تمام شئون وجودی آن قیام می کند، لازم است کارگزاران دولت کریمه او بدین وصف، که نقش اساسی در پیشبرد اهداف الهی حضرت دارد، مجهّز باشند زیرا اگر درک معرفت و حکمت نداشته باشند چگونه می توانند مسئولیتی بر عهده بگیرند که علم و معرفت در آن اساس کار است چرا که اصلاح و هدایت بر آگاهی و شناخت استوار است و چون در دوران ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)اصلاح امور در تمام ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن در سایه احیا و ظهور حقیقت اسلام و معارف زلال قرآن کریم تأمین می شود، پس مجریان این برنامه بزرگ جهانی نیز باید از از بالاترین معرفت و آگاهی نسبت به رهاورد وحی و حقایق قرآنی برخوردار بوده، جام معرفت و زمزم توحید را عاشقانه سرکشیده، مذهب و خودساخته باشند تا بتوانند به اصلاح دیگران اقدام کنند چنان که حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) در روایت دیگری در تبیین سیمای توحیدی و معنوی یاران حضرت مهدی(علیه السلام) می فرماید: «وَيُحَا لِلطَّالِقَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمُ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»خداوند در سرزمین طالقان گنجینه هایی دارد که از طلا و نقره نیستند، بلکه مردان مؤمن اند که خدا را خوب می شناسند و آن ها یاران مهدی در آخرالزمان هستند

در این حدیث نیز برمعنویت یاران مهدی موعود(علیه السلام) و معرفت و توحید آنان تأکید شده و بزرگ ترین صفت شاخص آنان را ایمان و معرفت حق دانسته است. پس معلوم می شود کسانی که می خواهند جزو یاران او محسوب شوند (چه توفیق درک حضور پیدا کنند و چه در عصر غیبت آن حضرت درجهت اهداف او حرکت نمایند) اولین قدم و اساسی ترین کارشان باید تحصیل معرفت و حکمت و تهذیب و خودسازی باشد، وگرنه بسیاریند کسانی که ادعای پی روی و شاگردی حضرت مهدی(علیه السلام) دارند، اما لکه ننگی هستند بر دامان او! چه بسا گفتار و کردارشان باعث دل سردی مردم از معنویت و اهداف آن حضرت شود

ب. ویژگی نظامی

نکته دیگر، که در کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) در نهج البلاغه در وصف یاران حضرت مهدی(علیه السلام) مورد اشاره قرار گرفته، آن است که یاران آن حضرت برای در هم کوبیدن فتنه ها و اصلاح در تمام ابعاد زندگی بشر همچون شمشیر صیقل زده با صلابت، قدرت و پر حرارت و کوبنده وارد صحنه کارزاری می شوند چون سنت الهی بر آن است که کارها از راه عادی و مجرای معمولی و طبیعی انجام گیرند، گرچه معجزه و کرامت و دعا لازم و مؤثرند و در جای خود اعمال می شوند، اما قرار نیست همه کارها از طریق غیرطبیعی انجام شوند. بدین روی در روایات، بر قدرت شمشیر حضرت مهدی(علیه السلام) اصرار شده و در رهاورد بزرگان اهل معرفت نیز از شمشیر حضرت مهدی(علیه السلام) زیاد سخن به میان آمده است.این مسئله حکایت از آن دارد که اجرای عدالت و اصلاح جامعه بشری در زمان ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)، نیازمند قدرت و توان برتر و بالاتری است و حضرت با یاران پر صلابت و پر تلاش وارد صحنه اصلاح و هدایت بشری می شود

بدین روی، در روایتی از حضرت امیرمؤمنان(علیه السلام) رسیده که یاران حضرت مهدی(علیه السلام) همه جوان و پرطراوت هستند: «أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ وَلَا كَهْلٌ فِيهِمْ» یاران مهدی همه جوان هستند و پیرمردی در میان آنان نیست

در روایتی دیگر آمده است: «یک رزمنده از یاران حضرت مهدی(علیه السلام) برابر چهل نفر قدرت دارد و قلب هر کدام از آن ها از کوه آهن سخت تر است و هرگاه در برابر کوه آهن قرار گیرند آن را متلاشی می کنند.»

از این گونه روایات، که تعدادشان نیز فراوان است، به خوبی معلوم می شود که یاران حضرت مهدی(علیه السلام) به سلاح علمی و عملی فوق العاده مجهّزند و با حکمت و معرفت و علم و درایت کامل، به اصلاح امور و تعدیل شئون زندگی بشری پردازند. بدین روی، در یک جمله می توان گفت: یاران حضرت مهدی(علیه السلام) کسانی اند که خود صالح هستند و به اصلاح دیگران قیام می کنند و از این راه، جامعه صالح جهانی پدید آمده و وعده الهی،۲۶ که حکومت و وراثت زمین را از آن صالحان دانسته است، به تحقق خواهد پیوست

زندگی نامه امام هادی علیه السلام

امام علی بن محمد الهادی علیه السلام در نیمهٔ ذی الحجه سال ۲۱۲ ق نزدیک شهر مدینه در روستای صریا، چشم به دنیا گشود و در ماه رجب سال ۲۵۴ ق در سَرّ من رأی (سامرا) توسط معتز عباسی به شهادت رسید. ایشان پس از پدر بزرگوارش ۳۳ سال امامت شیعیان را بر عهده داشتند.[۱]

نام مادر آن حضرت سمانه مغربیه بود[۲]؛ البته مدنب، حدیث و غزال هم گفته اند.[۳]

لقب های آن حضرت را نقی، هادی، امین، طیب، ناصح، مرتضی و… ذکر کرده اند. کنیه اش ابوالحسن است و به ایشان ابوالحسن ثالث می گویند.[۴]

امام هادی علیه السلام از آغاز امامت در مدینه حضور داشتند و در مدت اقامت در این شهر نقش بسیار مهمی در رهبری شیعیان ایفا کردند؛ به طوری که حکومت عباسی از موقعیت ممتاز امام احساس خطر کرده و حضور ایشان در مدینه را به صلاح ندانست، متوکل برای کنترل بیشتر امام علیه السلام تصمیم گرفت ایشان علیه السلام را از مدینه به سامرا منتقل کند. در سال ۲۳۳ ق بنابه گزارش هایی که جاسوسان از فعالیت های امام علیه السلام داده بودند، متوکل به یحیی بن هرثمه مأموریت داد تا این انتقال را انجام دهد. با ورود یحیی بن هرثمه به مدینه، مردم که سخت مشتاق و شیفتهٔ امام خود بودند، اعتراض خود را علنی کردند؛ به طوری که یحیی بن هرثمه اعلام کرد که کاری به امام علیه السلام ندارد و هیچ خطری امام علیه السلام را تهدید نمی کند. پس از مدتی به بهانه این که در منزل امام بر علیه حاکم عباسی سلاح جمع آوری می شود به خانه امام علیه السلام حمله بردند، ولی چیزی جز قرآن و ادعیه نیافتند. جالب اینکه خود یحیی بن هرثمه پس از بازگشت می گوید: «چیزی جز بزرگواری، ورع، زهد و شجاعت در او نیافتم».[۵]

متوکل در ساعات اولیه ورود امام به سامرا به شکلی اهانت آمیز با امام برخورد کرد و نه تنها به استقبال حضرت نیامد، بلکه دستور داد ایشان را در محلی که مخصوص گداها بود و به «خان الصعالیک» شهرت داشت، وارد کنند. بعد از استقرار امام هادی علیه السلام در سامرا تمامی رفت و آمدها و ارتباطات امام تحت کنترل بود و به محض شنیدن اینکه امام علیه السلام از اموال و سلاح شیعیان نگهداری می کند، نظامیان شبانه به خانهٔ امام علیه السلام هجوم می بردند؛ ولی چیزی به دست نمی آوردند

در طول مدت حضور امام علیه السلام در سامرا هر روز بر عظمت و محبوبیت آن حضرت افزوده می گشت و همه ناخواسته در برابر امام علیه السلام متواضع و خاشع بودند و سخت محترمش می داشتند.[۶] البته نفوذ امام منحصر به شیعیان نبود و شامل درباریان عباسی هم می شد. حتی اهل کتاب هم به امام علیه السلام احترام می گذاشتند

متوکل وقتی در اقدامات خود علیه امام علیه السلام ناکام ماند، به نزدیکان خود اعلام کرد که در کار امام هادی علیه السلام درمانده شده است؛ از این رو به محدودیت و فشار اکتفا نکرد و تصمیم به کشتن امام علیه السلام گرفت و حتی اقداماتی هم انجام داد؛ اما پیش از آنکه موفق شود، خود به هلاکت رسید.[۷]

پیش بینی تخریب سامرا و حرم مطهر در کلام امام هادی علیه السلام

حضرت آقا امام هادی سلام الله علیه فرمودند

تَجَرَّبُ سَرٌّ مِّنْ رَّأى حَتَّى يَكُونَ فِيهَا خَانٌ، وَ بَقَالٌ لِّلْمَارَةِ، وَ عَلَامَةٌ تَدَارِكُ خَرَابَهَا تَدَارِكُ الْعِمَارَةَ فِي مَشْهَدِي مِّن بَعْدِي

روزی خواهید رسید که تمام سامرا خراب می‌شود و به جز یک مسافرخانه و یک بقالی برای

رهگذران چیزی در آن باقی نمی‌ماند. شروع ساختمان بر روی محل قبر من، نشانه آغاز خرابی در آن، خواهد بود

امالی شیخ طوسی رحمه الله، صفحه ۲۸۱، چاپ دار الثقافة

برخی از اقدامات امام هادی علیه السلام

ایجاد آمادگی فکری شیعیان جهت ورود به عصر غیبت

فراهم کردن زمینهٔ ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان شیعه علیه السلام بود، که همواره شیعیان را متوجه این امر می کردند. در این راستا امام هادی علیه السلام هم اقداماتی انجام داده اند
الف) بیان روایات فراوان در مورد فرا رسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

ب) بشارت به ولادت حضرت حجت ومخفی بودن ولادت و هشدار این که مبادا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛
ج) کم کردن تماس مستقیم شیعیان با حضرت؛ به طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت پاسخ داده می شد؛ تا از قبل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛[۸]

د) تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه

و) ارجاع سؤالات شیعیان به وکلا و توجیه وکلا نسبت به پرسش های شیعیان؛ با توجه به انحرافات و شبهات آن روز

ه) تربیت نیرو و افراد شایسته



یکی از اقدامات و فعالیت های ائمه علیه السلام پرورش شاگردان و افراد شایسته بوده است. امام هادی علیه السلام نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادهای لازم را داشتند شناسایی کرده و آنان را جهت پیش برد اهداف اسلامی تربیت می فرمودند. این افراد افزون بر راویانی هستند که سخنان و روایات امام هادی علیه السلام را نقل می نمودند. برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را عهده دار بودند. برجسته ترین این افراد عبارتند از

۱. عبدالعظیم حسنی (ره)، که مرقد وی در شهر ری می باشد و از یاران امام عسکری علیه السلام بوده است

۲. حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی و وکیل امام هادی علیه السلام بوده است

۳. عثمان بن سعید عمری، که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام بود و بعدها یکی از نایبان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده است

۴. تقویت سازمان وکالت

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و از همه مهمتر با توجه به اینکه امام علیه السلام در حصر و تحت نظارت و کنترل بوده اند، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می بردند. به همین علت سازمان وکالت که به صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق علیه السلام فعالیت خود را آغاز نمود، در دوران امام هادی علیه السلام نیاز به تمهیدات بیشتری داشت

در زمان امام هادی علیه السلام شیعیان ایران، عراق، یمن ومصر ارتباط مستمر و خوبی با حضرت داشتند. وکلای امام علیه السلام علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن به امام علیه السلام ، در مسائل کلامی و فقهی نیز نقش سازنده ای داشته اند و در جا انداختن امامت امام بعدی و ورود شیعه به عصر غیبت، تلاش خستگی ناپذیری از خود به نمایش گذاشتند. (البته گاهی افرادی از این وکلا دستخوش انحراف از خط امام علیه السلام شده و مورد تکذیب آن حضرت هم واقع می شدند. در این شرایط کسان دیگری جایگزین آنها می شدند.[۱۱]

این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوکل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام علیه السلام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد

در زمان امام هادی علیه السلام اصل امامت باید معرفی می گردید؛ چون ائمه علیهم السلام و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می رفت. امام هادی علیه السلام پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می کردند. مجموعه این زیارات و ادعیه به عنوان یک دائرة المعارف شیعه به حساب می آید و در بردارنده دلایل بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می باشد

الف) زیارت جامعه کبیره

این زیارت از مشهورترین ، برترین و شناخته شده ترین زیارات ائمه علیهم السلام است. شیعیان نسبت به خواندن آن بخصوص روزهای جمعه توجه خاصی دارند. شیخ طوسی (ره) در التهذیب و شیخ صدوق (ره) در الفقیه آن نقل کرده اند.

علامه مجلسی (ره) در مورد صحت سند آن ـ که به درجه قطع رسیده ـ می گوید: «این زیارت دارای بهترین سند، عمیق ترین مفهوم، فصیح ترین الفاظ، بلیغ ترین معناو عالی ترین شان است.[۱۲] امام هادی علیه السلام در این زیارت شاخصه ها و. پایه های اصلی شیعه را بیان فرمودند

ب) زیارت غدیریه

این زیارت به زیارت امیرالمؤمنین در عید غدیر خم معروف است. در سالی که معتصم امام علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند، ایشان به زیارت امام علی علیه السلام در نجف اشرف رفته و این زیارت را قرائت کردند که در ضمن آن یکصد و پنجاه منقبت از مناقب امام علی علیه السلام بیان فرموده و از برخی مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود، سخن گفتند

این زیارت از زیباترین، اصیل ترین، بدیع ترین و پربرترین زیارت هاست. در زمانی این زیارت توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد که امامت به فراموشی سپرده شده بود. امام هادی علیه السلام در ضمن زیارت با ترسیم مظلومیت امام علی علیه السلام و هشدار به مردم، آنان را از خواب غفلت بیدار می کند

کارشناس تاریخ و مهدویت

شیخ مفید، ارشاد، ص۳۲۷ . [۱]

همان، ص۳۰۷ . [۲]

حسینی، محمدرضا، تاریخ اهل البیت علیه السلام ، ص۱۲۳ . [۳]

مناقب آل ابی طالب علیه السلام ، ج۴، ص ۴۰۱، به کوشش محمدحسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسولی محلاتی . [۴]

ابن جوزی، تذكرة الخواص، ص۳۵۹ . [۵]

اربلی، کشف الغمّة، ج۲، ص۳۹۸؛ تحقیق سید هاشم رسولی . [۶]

(ابن طاووس، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ص۲۷ (به نقل از تاریخ تشیع، ج۱، ص ۲۹۲ . [۷]

(محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام ، صص۳۱۶-۳۲۵ (با اندکی تصرف و تلخیص . [۸]

(اختیار معرفة الرجال، ص۵۱۹، (به نقل از تاریخ تشیع، ج۱، ص ۲۹۴ . [۹]

(خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، صص ۱۳۵ - ۱۳۴، (به نقل از تاریخ تشیع، ج۱، ص ۲۹۴ . [۱۰]

رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص۵۱۳ . [۱۱]

، مزارالبحار، به نقل از باقر شریف قرشی، زندگانی امام علی الهادی علیه السلام . [۱۲]

مُرَجَّب

ماه رجب یکی از پرفضیلت ترین ماههای سال است به طوری که پروردگار این ماه را در میان بهترین ماهها معرفی کرده است استجابت دعا در این ماه با ذکر و نماز های خاص ممکن می شود.ماه رجب ، ماه ولایت و امامت، ماهی است که رحمت گسترده الهی بر بندگانش جاری می شود. رسول خدا (ص) در این خصوص می فرماید «الا ان رجب و شعبان شهرای و شهر رمضان شهر امتی الا فمن صام من رجب یوما ایمانا و احتسابا استوجب رضوان الله الاکبر و اطفی صومه فی ذلک الیوم غضب الله و اغلق عنه باب من ابواب النار ولو اعط مثل الارض ذهبا ما کان بافضل من صومه و لایستکمل اجره بشی ء من الدنیا دون الحسنات اذا اخلص لله عزوجل، له اذا امسی عشر دعوات مستجابات»
هان! ماه رجب و ماه شعبان دو ماه من هستند و ماه رمضان ماه امتم. آگاه باشید، هر که یک روز از ماه رجب را با ایمان و اخلاص روزه بگیرد، مستوجب رضوان بزرگ الهی می شود و روزه اش در آن روز بی گمان خشم خداوند را فرو می نشاند و دری از درهای دوزخ را بر روی خویش می بندد و اگر به اندازه گستره زمین، زر به او داده شود برتر از روزه اش نخواهد بود و پاداش این روزه هرگز با حسنات دنیوی قابل مقایسه نیست جز این که باید اخلاص داشته باشد و برای تقرب به خدای عزوجل انجام داده باشد و همانا شب هنگام، ده دعایش مورد استجابت قرار می گیرد

در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود «رجب شهر الله و شعبان شهری و رمضان شهر امتی» ماه رجب، ماه خداست و ماه شعبان ماه من و ماه رمضان ماه امت من است از حضرت سؤال شد:چه معنا دارد سخت که فرمودی ماه رجب ماه خداست؟ حضرت پاسخ داد:زیرا ماه رجب ویژه آمرزش و مخصوص مغفرت است. در این ماه خونی ریخته نمی شود (حتی در جاهلیت نیز ماه رجب جزء ماه های حرام به حساب می آمد و جنگ و خونریزی در آن تعطیل می شد) و در این ماه، خداوند اولیا و محبانش را مورد آمرزش قرار می دهد و توبه شان را می پذیرد و آنان را از دشمنانشان می رهاند

ثواب روزه گرفتن در ماه رجب

پیامبر اکرم(ص) سپس فرمودند

هر که تمام این ماه را روزه بدارد، سه چیز از خدایش دریافت می کند

آمرزش برای تمام گناهان گذشته اش

مصونیتی برای باقی مانده از عمرش

ایمنی از تشنگی روز قیامت

از امام صادق(ع) روایت است که حضرت رسول اکرم(ص) فرمود که:ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان است و رجب را «أُصْب» می گویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته می‌شود پس بسیار بگوئید:«أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ»

پیامبر(ص) فرمودند: هنگامی که حضرت آدم(ع) خدا را نافرمانی کرد، او را از عرش خود دور ساخت. او گریست و جبرئیل آدم را به زمین آورد، در حالی که سیاه شده بود. ندایی از آسمان شنید که روزه بگیر. آدم در آن روز که سیزدهم ماه بود روزه گرفت و بدن او سفید شد. به این جهت، این سه روز از هر ماه را ایّام‌البیض می‌نامند. سپس منادی ندا داد: ای آدم! این سه روز را برای تو و فرزندان قرار دادیم. هر کس این سه روز در هر ماه را روزه بگیرد، مانند این است که تمام عمرش را روزه گرفته است

مرحوم صدوق (ره) می‌گوید: علت این‌که این سه روز از هر ماه را ایّام‌البیض می‌نامند، این است که شب‌های این ایام روشن است

بنابراین ایام‌البیض به ۱۳و ۱۴و ۱۵هر ماه گویند و روزه گرفتن در این سه روز فضیلت دارد. فضیلت روزه این سه روز در ماه رجب بیش‌تر است. در این زمینه روایت ام داود از امام صادق (ع)را نقل می‌کنیم
ام داود (فاطمة دختر عبدالله بن ابراهیم) در فراق فرزندش داوود که توسط حکام بنی عباس دستگیر شده بود و مدت‌ها در زندان و سختی و از مادرش دور بود، روزی خدمت امام صادق (ع)رسید. امام به او فرمود: چه خبر از داود داری؟ ام داود گفت: دیگر از او نا امید شده و خبری از او ندارم. خیلی علاقه دارم او را ببینم. شما دعا بفرمایید او نجات یابد
حضرت فرمود: ماه رجب فرا رسیده است. ماهی مبارک و محترم است و دعا در آن مستجاب است. روز ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ که ایّام‌البیض است، روزه بگیر و در روز پانزدهم غسل کن و... (اعمال مفصلی به نام اعمال ام داود، در مفاتیح الجنان در اعمال (ماه رجب ذکر شده است
ام داود می‌گوید: آن اعمال را انجام دادم و داوود از زندان آزاد شد و خدمت امام صادق (ع) رسید

روزه گرفتن و اعتکاف در ۱۳ و ۱۴ و ۱۵هر ماه، از فضیلت خاصی برخوردار است و در ماه رجب شاید فضیلت بیشتری داشته باشد. و اگر چه سیزدهم رجب (ابتدای ایام البیض) مصادف با ولادت حضرت علی علیه السلام است؛ ولی ایام البیض و آداب «مربوط به آن، مرتبط با ولادت ایشان نیست

سه روز با خدا

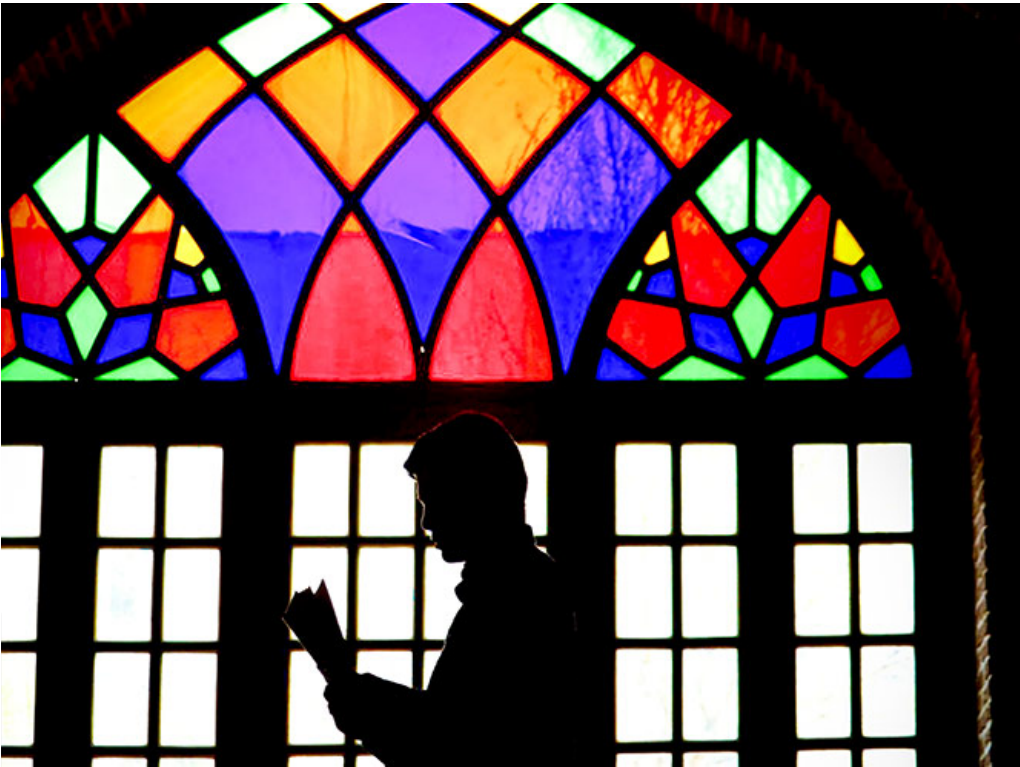
اعتکاف در لغت به معنای «گوشه نشین شدن، در جایی ماندن، خود را بازداشتن و گوشه نشینی برای عبادت» است. و در اصطلاح، (۱) عبارت است از ماندن حداقل سه روز در مسجد جامع شهر یا مساجد چهارگانه؛ یعنی مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره، به قصد عبادت خداوند، با شرایطی خاص
از قرآن کریم فهمیده می شود که اعتکاف در زمان حضرت ابراهیم (ع) مرسوم بوده است و لذا در آیه ی ۱۲۵ سوره ی بقره می خوانیم: «و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود؛ و ما با ابراهیم و اسماعیل عهد بستیم که خانه ی مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید». بعد از حضرت ابراهیم نیز در بعضی از شریعت ها و در زندگی بعضی از اولیای خدا مانند حضرت مریم و زکریا به چشم می خورد دین اسلام اعتکاف را در شکلی جدید و با شرایطی خاص مطرح کرد و انجام آن را به مسلمانان سفارش نمود
پیامبر اکرم(ص) همه ساله در دهه ی آخر ماه رمضان اعتکاف می کرد و دستور می داد رختخوابش را جمع کرده و چادری از جنس مو، برای او در مسجد برپا کنند.(۲)

میمون بن مهران می گوید: من پیش امام حسن مجتبی (ع) نشسته بودم، او در حال اعتکاف بود مردی به محضر حضرت رسید و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! فلانی از من طلب کار است و به علت نداری می خواهد مرا زندان کند، کمکم کن. امام فرمود: و الله مالی ندارم که بدهی تو را بپردازم. او باز اصرار کرد تا این که امام (ع) عزم رفتن کرد. من عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! مگر فراموش کرده اید که معتکف هستید؟ فرمود: نه، فراموش نکرده ام ولکن شنیدم پدرم و او از جدم رسول خدا (ص) نقل کرد که فرمود: «من سعی فی حاجة اخیه المسلم فکانما عبدالله عزوجل تسعة آلاف سنة صائما نهاره و قائما ليله؛(۳) کسی که در راه برطرف کردن نیاز برادرش کوشش کند، پس گویا خدا را نه هزار سال عبادت کرده است، در حالی که روزها روزه و شب ها شب زنده دار بوده است.»

این اعتکاف بیشتر در ایام البیض؛ یعنی سیزدهم تا پانزدهم ماه رجب، همراه با اعمال ام داوود انجام می شود. سه روز اعتکاف در مسجد الحرام و ده روز آخر ماه مبارک رمضان نیز توصیه شده است
:فواید اعتکاف فراوان است؛ از جمله

الف) ایجاد زمینه ی مناسب برای اندیشیدن و تعقل:
شخص معتکف در مدت زمان اقامت خود در مسجد و بریدن از محیط .پرهیاهوی زندگی، فرصتی می باید که گذشته ی خود را مرور و نقاط مثبت و منفی اش را ارزیابی کند
ب) فراهم آوردن زمینه ی توبه و بازگشت:
گاهی مشغله های زیاد زندگی و مشکلات آن، ما را از خودمان غافل می کند و فرصت ارزیابی و جبران عمل کرد گذشته را از ما می گیرد؛ اعتکاف این فرصت را در اختیار می گذارد تا به جبران نقایص و ضعف های خود بپردازیم و توبه کنیم

ج) فراهم شدن فرصت برای نیایش، نماز و تلاوت قرآن:
در حقیقت مدت زمان اعتکاف، فرصتی است کوتاه برای محاسبه ی نفس و خودسازی که انسان را از حاکمیت غریزه ها، عادت ها و اشتغالات معمول زندگی آزاد می سازد و به جبران کاستی ها وادار می کند



منابع

.فرهنگ فارسی عمید، واژه ی اعتکاف –۱

.وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۷–۲

.همان، ص ۴۰۹–۳

محل تولد...حریم امن الهی ،کعبه

ولادت حضرت علی (ع) نوید امید و شادی برای قبیله بنی هاشم و بنی اسد بود و آنگونه در کتب تاریخی به نگارش درآورده‌اند و از بزرگان یاد شده است، حضرت امیرالمومنان (ع) تنها کسی است که در کعبه به دنیا آمده است مادر حضرت علی (ع) فاطمه، دختر اسد فرزند هاشم است که جزء نخستین زنانی به شمار می‌رود که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد و حتی پیش از بعثت هم از آیین ابراهیم یکتاپرستی پیروی می‌کرد. فاطمه همان زنی بود که بسیار مورد احترام پیامبر اکرم (ص) بود و پدر حضرت هم عمران معروف به ابوطالب، از حامیان رسول خدا (ص) بود به دنیا آمدن امیرمؤمنان، علی (ع) در درون خانه خدا فضیلتی است که محدثان شیعه آن را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند، اما در این میان دانشمندان بسیاری از اهل تسنن هم براین امر واقف هستند و در آثار مکتوب به آن اشاره کرده‌اند؛ اشاراتی مثل نقل محمد مالکی که می‌گوید: «وُلِدَ بِمَكَّةَ الْمُشْرِفَةُ دَاخِلَ بَيْتِ الْحَرَامِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الثَّالِثِ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ اللَّهِ . رَجَبِ سَنَةِ ثَلَاثِينَ مِنْ عَامِ الْفِيلِ... وَلَمْ يُولَدْ فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ قَبْلَهُ أَحَدٌ سِوَاهُ، وَهِيَ فَضِيلَةُ خَصَّةِ اللَّهِ تَعَالَى بِهَا إِجْلَالًا لَهُ وَأَعْلَاءَ لِمَرْتَبَتِهِ وَأَظْهَارًا لِكِرَامَتِهِ؛ (۱) علی در داخل خانه خدا در مکه، روز جمعه سیزدهم ماه خدا، رجب سال سی از عام الفیل به دنیا آمد. قبل از او کسی در داخل خانه خدا به دنیا نیامده بود و این ولادت فضیلتی است که خدای بلند مرتبه علی (ع) را به آن اختصاص داده است، برای تجلیل او و بالا بردن مرتبه او و آشکار نمودن کرامت و بزرگواری او».

همچنین حاکم نیشابوری می‌گوید: «ولادت علی در داخل کعبه به طور تواتر به ما رسیده است.» (۲)، یا تاکنون کسی به این فضیلت دست نیافته است.» (۳)زمینه داریم که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ (۴)

سعید بن جبیر از یزید بن قنبر نقل کرده که من با عباس بن عبدالمطلب و گروهی از فرزندان عبدالعزّی در مقابل کعبه نشسته بودیم که ناگهان فاطمه دخترِ اسد مادر امیرالمؤمنین (ع) که ۹ ماهه باردار بود و درد زایمان طاقت او را گرفته بود، ظاهر شد، «فَقَالَتْ رَبِّ اِنِّي مُؤَمِّنَةٌ بِكَ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ مِنْ رُسُلٍ وَكُتُبٍ، وَاِنِّي مُصَدِّقَةٌ بِكَلَامِ جَدِّي اِبْرَاهِيْمَ الْخَلِيلِ، وَاِنَّهُ بَنَى الْبَيْتَ الْعَتِيقَ فَبِحَقِّ الذِّیْ بَنَى هَذَا الْبَيْتِ وَبِحَقِّ الْمَوْلُودِ الذِّیْ فِی بَطْنِیْ لَمَّا یَسَّرْتَ عَلَیْ وَلَادَتِی؛ (۵) پس فاطمه گفت: پروردگارا! به تو و پیامبران و کتاب‌هایی که از طرف تو نازل شده‌ اند، ایمان دارم و سخن جدّم ابراهیم خلیل را تصدیق می‌کنم؛ او که این خانه عتیق را بنا کرد. پس به حق آن کسی که این خانه را ساخت، و به حق کودکی که در رحم دارم، ولادت این کودک را بر من آسان فرما!»

یزید بن قعنب در ادامه نقل می‌کند: ما دیدیم که خانه خدا از پشت شکافته شد (محل مستجار) و فاطمه داخل خانه شد و ما دیگر او را ندیدیم، و دیوار دوباره به حال اوّل برگشت، به ذهن ما رسید که قفل در خانه خدا را باز کنیم، ولی باز نشد، «فَعَلَمْنَا اَنْ ذَلِكْ اَمْرٌ مِنْ اَمْرِ اللَّهِ . عَزَّوَجَلَّ؛ (۶) پس دانستیم که این مسئله کاری است از طرف خدای عزیز و جلیل». چند روز این مادر و کودک در درون خانه خدا می‌مانند. راستی در این چند روز مادر چه خورده و چه نوشیده؟ و دیگر نیازهای خویش را چگونه برآورده نموده است؟...

اگر کمترین دقت و تأملی در این مسائل انجام گیرد، بی گمان به فضیلت والای این نوزاد و مادر می‌توان پی برد که چگونه معجزات متعددی به احترام آن دو انجام می‌گیرد؛ شکافته شدن دیوار خانه خدا و به هم آمدن آن، ماندن چهار روز در درون خانه، پاک بودن نوزاد از آلودگی زایمان وگرنه در درون خانه خدا راه نمی‌یافت، استفاده از غذای بهشتی و...! خوب است در ادامه گزارش را از زبان فاطمه بنت اسدِ پشنویم وقتی از خانه بیرون آمد، گفت: «اِنِّي فَضِلْتُ عَلٰی مَنْ تَقَدَّمَنيْ مِنَ النِّسَاءِ لِاَنَّ اَسِيَّةَ بِنْتَ مُزَاحِمٍ عَبَدَتْ اللَّهَ . عَزَّوَجَلَّ سَرًا فِي مَوْضِعٍ لَا يُحِبُّ اَنْ يَعْبُدَ اللَّهَ . فِيْهِ اِلَّا اضْطُرَّارًا، وَاِنْ مَرِيْمَ بِنْتُ عُمَرَ اَنْ هَزَّتْ الْتَحْلَةَ الْيَاسَةَ بِيَدِهَا حَتّٰى اَكَلَتْ مِنْهَا رُطْبًا جَنِّيًّا، وَاِنِّي دَخَلْتُ بَيْتَ اللَّهِ . الْحَرَامَ فَاکَلْتُ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ وَاُورَاقِهَا اَرَزَاقِهَا؛ (۷) به راستی من بر زن‌های پیش از خود برتری یافتم؛ زیرا آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) خدا را پنهانی در جایی عبادت کرد که دوست نمی‌داشت در آن مکان (یعنی کاخ فرعون) خدا را عبادت کند، مگر در حال ناچاری؛ و به راستی مریم دختر عمران درخت خشک خرما را با دستش تکان داد تا رطب تازه‌ای از آن بخورد، ولی من داخل خانه خدا شدم و از میوه‌های بهشتی آن استفاده کردم.»



ر ادامه روایت میلاد حضرت علی (ع) آمده است: مولود نورانی که در درون خانه خدا به دنیا آمده و چهار شبانه روز از او و مادرش با غذای بهشتی پذیرایی شده، برای نام گذارش نیز خدای خانه باید تصمیم بگیرد، نه پدر و مادر و یا پدربزرگ و مادربزرگ؛ و چنین هم شد، خداوند منت خویش را بر او کامل نمود و با جملاتی از عالم غیب به گوش فاطمه مادر نوزاد رساند که او را چه نام نهد

از فاطمه بنت اسد در تاریخ نقل شده است که می‌گوید: «فَلَمَّا ارَدْتُ اَنْ اَخْرُجَ هَتَفَ بِي هَاتِفٌ يَا فَاطِمَةُ سَمِّيه عَلِيًّا فَهَوَّ عَلَيَّ وَاللَّهِ . الْعَلِيُّ الْاَعْلٰی يَقُوْلُ: اِنِّي شَقَقْتُ اَسْمَهُ مِنْ اَسْمِيْ وَاَدْبَيْتُهُ بِاَدْبِيْ وَوَقَفْتُهُ عَلٰی غَامِضِ عِلْمِيْ وَهُوَ الَّذِي... يُوْذَنُ فَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِيْ وَيَقْدُسُنِيْ وَيَمَجِّدُنِيْ فَطُوْبِيْ لِمَنْ اَحَبَّهُ وَاطَاعَهُ وَوُبِّلَ لِمَنْ اَبْغَضَهُ وَعَصَاهُ؛ (۸) پس هنگامی که خواستم [از کعبه] خارج شوم، هاتفی [از غیب] مرا ندا داد:ای فاطمه [او را] به نام علی نام گذاری کن! پس او علی است و خدای علی اعلی است که می‌گوید: به راستی، اسم او را از اسم خودم جدا ساختم و او را به ادب خود پرورش دادم و او را بر پیچیدگی‌های علم خود آگاه ساختم و او کسی است که... بر بام خانه من اذان خواهد گفت و مرا تقدیس و تمجید خواهد نمود. پس خوش به حال کسی که او را دوست بدارد و اطاعتش کند و وای بر کسی که او را دشمن بدارد و نافرمانی کند

آن گاه فاطمه بنت اسد روی به خانه کرد. شخصی به سرعت خود را به ابوطالب و خانواده او رساند و بشارت ولادت علی (ع) را داد. همه خانواده که در پیشاپیش آن‌ها محمد مصطفی (ص) قرار داشت، به استقبال فاطمه و نوزادش آمدند، محمد مصطفی (ص) نوزاد را در بغل گرفت و زبان خویش را در دهان او قرار داد و اذان و اقامه در گوش او خواند. آن گاه ابوطالب شتران زیادی را به عنوان ولیمه این نوزاد قربانی کرد و تمام مردم را به خانه خویش دعوت نمود؛ به این صورت که اوّل هفت بار خانه خدا را طواف کردند، آن گاه داخل خانه ابوطالب روند و بر علی (ع) سلام کردند. (۹) زمانی که حضرت علی (ع) ۶ ساله بود، پدرش، ابوطالب که ریاست بنی‌هاشم را بر عهده داشت، دچار مشکل مالی شد. پیامبر اکرم (ص) که خود در کودکی تحت سرپرستی ابوطالب قرار گرفته بود و در این زمان بالای ۳۰ سال، سن داشتند، برای سبک کردن بار عائله به ابوطالب پیشنهاد کرد که سرپرستی حضرت علی (ع) را او بر عهده بگیرد. ابوطالب پذیرفت و حضرت علی (ع) از کودکی در خانه پیامبر اکرم (ص) ، تحت نظر او قرار گرفت و هنگامی که حضرت محمد(ص) اعلام دریافت وحی الهی کردند، امیرالمومنین (ع) در سن ۱۰ سالگی به او ایمان آورد و مسلمان شد. و پس از آن با شجاعت، رشادت و عاشقانه در کنار رسول اکرم(ص) و حضرت فاطمه (س) زیستند

جریان ولادت حضرت در منابع اهل سنت

حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۵۵۰، حکومت ۴۴۶۰ می‌گوید: در اخبار متواتر (اخباری که یقین آور است) آمده که فاطمه بنت اسد، امیر مؤمنان علی – علیه‌السلام – را در درون کعبه به دنیا آورد. (الغدیر، نشر مرکز الغدير، ج ۶، ص ۳۵ للدراسات الاسلاميه، ۱۴۱۶ ق)س

حافظ گنجی شافعی در کفایة المطالب، ص ۴۰۷، آورده است امیر مؤمنان علی – علیه‌السلام – شب جمعه در ۱۳ ماه رجب در خانه خدا به دنیا آمد، و هیچ کسی قبل از او و بعد از او در خانه خدا به دنیا نیامده است. (همان)ی

شهاب الدین محمود آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی، در کتاب: سرح الخریدة الغیبة فی شرح القصيدة العینیه، تألیف عبدالباقی افندی عمری، در ذیل یکی از اشعار او می‌گوید: این مسأله که امیرمؤمنان علی – علیه‌السلام – در خانه خدا به دنیا آمد مسأله مشهور و معروف است و در کتاب‌های شیعه و سنی نقل شده است. (همان)س

بنابراین جریان تولد امیرمؤمنان حقیقتی است که نه تنها شیعه بلکه برادران اهل سنت نیز به آن اذعان دارند که در کتاب شریف «الغدیر» به تفصیل آورده شده است



نجف اشرف –مرقد مطهر حضرت علی(ع)

بی نوشت ها:
الفصول المهمة، ص. ۱۲ – ۱۳؛ بحارالانوار، ج. ۳۵. ص. ۸۰. مستدرک حاکم، ج. ۳، ص. ۴۸۳. شرح قصیده عبدالباقی افندی، ص. ۱۵. مروج الذهب، ج. ۲، ص. ۳۴۹؛ شرح الشفاء، ج. ۱، ص. ۱۵۱. موسوعة التاريخ الاسلامی، ج. ۱، ص. ۳۰۶ – ۳۱۰ بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، ج. ۳۵، ص. ۸، حدیث ۱۱؛ ر. ۵. ک: خصائص امیرالمؤمنین، للشریف الرضی، ص. ۳۹؛ الغدير، علامه امینی، ج. ۶، ص. ۲۲. همان. ۶. بحارالانوار، ج. ۳۵، ص. ۸. ۷. بحارالانوار، ج. ۳۵، ص. ۹، ذیل حدیث ۱۱. ۸. بحار، ج. ۳۵، ص. ۱۸؛ اعلام الهدایه، ج. ۲، ص. ۵۰. ۹.

داستان

راهبی که با تفسیر صدای ناقوس کلیسا مسلمان شد

به سند معتبر از حارث اعور نقل شده است که روزی با حضرت امیرالمومنین علی (ع) به شهر حیره می رفتم که ناگاه به دیری رسیدیم که ترسایی در آنجا ناقوس می نواخت، پس حضرت فرمود: ای !حارث؛ آیا می دانی این ناقوس چه می گوید؟

عرض کردم: خدا و رسول خدا و پسر عمّ رسول خدا بهتر می دانند سپس حضرت علی بیان داشتند: مَثَلِ می رَند برای دنیا و خرابی و بی وفایی آن و می گوید: لا اله الا الله حَقّاً حَقّاً صدقا صدقا اِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَ شَغَلْتَنَا وَ اسْتَهْوَتْنا، يَابْنَ الدُّنْيَا مَهْلًا مَهْلًا يَابْنَ الدُّنْيَا دَقًّا دَقًّا يَابْنَ الدُّنْيَا جَمْعًا جَمْعًا تُفَنِّی الدُّنْيَا قَرْنًا قَرْنًا، ما مِنْ یَوْمٍ یَمْضِی عَنَّا الا اَوْهی مَنا رُکْنا، قَدْ ضَبَّعنا دارا تَبَقی وَ اسْتَوَطْنا دارا تُفَنِّی لَسْنا نَدْرِ ما قَرَطْنا فِیْها الا لَوْ قَدَمْتْنا؛ شهادت می دهم به یگانگی خداوند و حال آن که حقّ اُست، راست است راست است، بدرستی که دنیا ما را فریب داد و مشغول کرد و در رابطه با آخرت عقل ما را ضایع و نابود نمود و ما را گمراه ساخت. ای فرزند دنیا؛ پس انداز و به تأخیر انداز کارهای دنیوی را، ای فرزند دنیا؛ هر روز کوبیده می شوید و در فشارید از مصیبت ها و تا چند یکدیگر را در فشار می گذارید برای بدست آوردن دنیا؟ و به زودی در هم شکسته خواهید شد. ای فرزند دنیا؛ تا کی جمع می کنی اسباب و مال دنیا را؟ پس بدان دنیا از بین می برد مردم قرن را از پس قرنی دیگر، هیچ روز نمی گذرد از عمر ما مگر آن که یک رکن از ارکان بدن ما ضعیف تر گردد، به راستی که نابود کردیم خانه ی باقی را و وطن خود گردانیدیم خانه ی فانی را، نمی دانیم که برای آن دنیا کوتاهی کردیم، مگر پس از اینکه می میریم

پس حارث عرض کرد: یا امیرالمومنین؛ آیا نصاری می دانند که صدا و نوای ناقوس این معنی را بیان می دارد؟

حضرت فرمودند: اگر می دانستند، مطمئن باش مسیح را شریک خداوند نمی گردانیدند

حارث می گوید: من روزی دیگر به نزد آن نصاری که در آن دیر بود رفتم و گفتم: تو را به حق مسیح این ناقوس را مجدد بنواز به آن ترتیبی که پیشتر می نواختی؛ پس چون شروع کرد به زدن هر مرتبه من یک فقره از آنچه حضرت علی فرموده بود می خواندم و بر نوای آن منطبق می گردید تا به پایان رسید، پس آن راهب گفت: به حق پیغمبر شما سوگندت می دهم تو را که بگویی چه کسی این را به تو آموزش داده و بیان نموده است؟

حارث عرض کرد: آن شخصی که دیروز با من همراه بود، او این را به من تعلیم داد

راهب پرسید: آیا میان آن بزرگوار و پیغمبر شما خویشاوندی وجود دارد؟

حارث پاسخ داد: پسر عمّ اوست

راهب پرسید: آیا این را از پیغمبر شنیده است؟

گفت: بلی

پس آن دیرنشین مسلمان گردید و گفت: والله که من در تورات خوانده ام در آخر پیغمبران پیغمبری خواهد آمد که صدای ناقوس را تفسیر خواهد کرد و پیغمبر شما خاتم الانبیا می باشد و دینتان بر حق

عدالت علی (ع)، مرد مسیحی را مسلمان کرد

در زمان خلافت امام علی (علیه السلام) در کوفه، زره آن حضرت گم شد. پس از چندی در نزد یک مرد مسیحی پیدا شد. علی (علیه‌السلام) او را به محضر قاضی برد و اقامه دعوی کرد که این زره از آن من است، نه آن را فروخته‌ام و نه به کسی بخشیده‌ام و اکنون آن را در نزد این مرد یافته‌ام. قاضی به مسیحی گفت: خلیفه ادعای خود را اظهار کرد، تو چه می‌گویی؟ او گفت: این زره مال خود من است و درعین‌حال گفته مقام خلافت را تکذیب نمی‌کنم (ممکن است خلیفه اشتباه کرده باشد). قاضی رو کرد به علی (علیه‌السلام) و گفت: تو مدعی هستی و این شخص منکر است، علی‌هذا بر تو است که شاهد بر مدعای خود بیاوری. علی (علیه‌السلام) خندید و فرمود: قاضی راست می‌گوید، اکنون می‌بایست که من شاهد بیاورم، ولی من شاهد ندارم. قاضی روی این اصل که مدعی شاهد ندارد، به نفع مسیحی حکم کرد و او هم زره را برداشت و روان شد
مرد مسیحی که خود بهتر می‌دانست که زره مال کیست، پس‌ازآنکه چند گامی پیمود وجدانش مرتعش شد و برگشت، گفت: این طرز حکومت و رفتار از نوع رفتارهای بشر عادی نیست، از نوع حکومت انبیاست و اقرار کرد که زره از علی (علیه‌السلام) است. طولی نکشید او را دیدند مسلمان شده و با شوق و ایمان در زیر پرچم علی (علیه‌السلام) در جنگ نهروان می‌جنگد

گریه امیرالمؤمنین ؟

روزی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزد اصحاب خود فرمودند

من دلم خیلی بحال ابوذر غفاری می سوزد خدا رحمتش کند اصحاب پرسیدند چطور ؟

:مولا فرمودند

آن شبی که به دستور خلیفه ماموران جهت بیعت گرفتن از ابوذر برای خلیفه به خانه ی او رفتند چهار کیسه ی اشرفی به ابوذر دادند تا با خلیفه بیعت کند

:ابوذر خشمگین شد و به مامورین گفت

ﻻشما دو توهین به من کردید

، اول آنکه فکر کردید من علی فروشم و آمدید من را بخرید دوم بی انصاف ها آیا ارزش علی چهار کیسه اشرفی است؟ شما با این چهار کیسه اشرفی می خواهید من ”علی“ فروش شوم؟

تمام ثروت های دنیا را که جمع کنی با یک تار موی ”علی“ عوض نمی کنم

آنها را بیرون کرد و درب را محکم بست

:مولا گریه می کردند و می فرمودند

به خدایی که جان ”علی“ در دست اوست قسم آن شبی که ابوذر درب خانه را به روی سربازان خلیفه محکم بست... سه شبانه روز بود که او و خانواده اش هیچ نخورده بودند

شعر

تا که رد از قالب تن می‌شود
مشرق او شام‌شکن می‌شود

نحس و سعیدند در اشیا نهان
سنگ عقیق اهل یمن می‌شود

سر زده از چاک گریبان صبح
من همه او او همه من می‌شود

آدم از آیینهِ مردانه‌اش
جلوه‌ی حواست که زن می‌شود

خنده‌ی او سبزی دشت مغان
گریه‌ی او رود تجن می‌شود

بس که لطیف‌ست به گل خنده‌ای
خلع از آفاق بدن می‌شود

دیده‌ی او صلح و دو ابروش طاق
گرچه حسین‌ست، حسن می‌شود

مجید لشکری

روزی شعار کُل جهان می شود علی
طبق حدیث امام زمان می شود علی

وقتی که اشهدش بشود مرز شیعیگی
باور کنید کِلِ اذان می شود علی

آدم اگر که فرض شود دین برای آن
تن می شود پیمبر و جان می شود علی

در عالم مثال اگر رود شیعه را
سرچشمه شد نبی جریان می شود علی

زها را اگر حقیقت شب های قدر شد
در بین ماه ها رمضان می شود علی

ای خوش به حال آنکه به هنگام عقد خویش
در سفره اش کلیدِ زبان می شود علی

ذکر حسین آخر مجلس که می شود
دقت کنی دهان به دهان می شود علی

ذکر تمام گریه کنان می شود حسین
ذکر تمام سینه زنان می شود علی

با کوله بار نان و رطب ها هنوز هم
هر شب برای ما نگران می شود علی

مهدی رحیمی

مدح تو را در شادی و در غم نوشتند
با این همه اما برایت کم نوشتند

تا خنده آمد بر لب‌ت، تصنیف گفتند
تا اخم کردی صد غزل ماتم نوشتند

فریادهایت را طنین رعد خواندند
چشم تو را هم چشمه زمزم نوشتند

وصف تو پیچیده ست و ظرف شعر تنگ است
گاهی اگر ابیات را مبهم نوشتند

از کیسه ی احسان تو درهم گرفتند
هرگاه مشتی واژه را درهم نوشتند

گفتند دارد علم الاسما بعد از این، چون
نام تو را در دفتر آدم نوشتند

خشم علی تفسیر آیات عذاب است
این را نه شیعه، اهل سنت هم نوشتند

عالم تماما آیت حق است اما
شان علی را آیت اعظم نوشتند

درد فراقش گرچه دردی بی مداواست
ذکر علی را نسخه مرهم نوشتند

اهل تغزل، اهل عرفان، اهل تفسیر
هرچه نوشتند از تو آقا کم نوشتند

سید محمدمهدی شفیعی



معرفی کتاب: اسرار ماه رجب؛ ادب حضور (دفتر اول)



«ادب حضور (دفتر اوّل)» اسرار ماه رجب و مراقبات و مناسک آن همراه با آداب اعتکاف، اثری از استاد محمدتقی فیاض بخش است. این کتاب در بیان ارجمندی و حرمت ماه رجب و درک این ماه عزیز و اعمال و دستورات عبادی و دینی و مراقبات اخلاقی مربوط به ماه رجب است

ليلة الرغائب

بر اساس روایات ما، ممتازترین شب‌ها در همه سال، سه شب است که همگی در این ماه‌های سه‌گانه واقع شده

اولی شب جمعه اول ماه رجب است به نام «ليلة الرغائب». دوم شب نیمه شعبان که نامش «ليلة البرات» است و دیگر شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان که «ليلة القدر» است

رغائب جمع «رغیبة» است و رغیبة به معنای عطای کثیر است؛ یعنی در چنین شبی، درهای رحمت الهی بی حساب باز است. ترکیب «ليلة الرغائب» اضافه موصوف به صفت خود است، بدین ترتیب ليلة الرغائب یعنی «الليلة التي فيها الرغائب» یعنی شبی که در آن عطایای الهی کثیر است، سپس موصوف به صفتش اضافه شد و «ليلة الرغائب» گردید

صاحب مراقبات، جمال السالکین، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی مطلبی به این مضمون می‌فرماید که ماه رجب اول ورود به میهمانی الهی است و تو ببین در این ضیافت الهی با کدامین لباس و زیور بر مولای خود وارد می‌شوی

قیمت: ۱۵ هزار تومان

تلطیف عمل مهم‌تر از تکثیر در عمل است؛ لذا در اولین شب جمعه ماه رجب که شب عطای خاصّ الهی است، اولین دعايمان مغفرت و طلب استعداد ورود به ضیافت خاص الخاص پروردگار باشد؛ تا در همان شب جمعه اول پاک شویم و اجازه ورود به سرای محبوب را در همه ضیافت سه‌ماهه داشته باشیم. در حالی که در ماه رمضان این طور نیست، شب قدر آن در آخر ماه است که این حساب دیگری دارد. درباره اعمال مخصوص این شب، به آنچه در مفاتیح الجنان آمده اکتفا می‌کنیم.»

بخشی از کتاب: بنا بر روایت منقول از رسول خدا (ص)، شب‌های ماه رجب امتیاز خاصی نسبت به سایر اوقات آن دارد؛ چراکه خداوند از سر آغاز شب تا به صبح، ملکی به نام «داعی» را در آسمان هفتم قرار می‌دهد که ندا می‌دهد: «خداوند در آسمان هفتم فرشته‌ای را منصوب فرموده که به او «داعی» (به معنای دعوت‌کننده) گویند. چون ماه رجب فرا رسد، آن فرشته از آغاز شب تا صبح ندا سر می‌دهد: خوشا به حال ذاکران و یادآوران خدا، خوشا به حال مطیعان. و خداوند تعالی می‌فرماید: من هم‌نشین کسی هستم که هم‌نشین من است، من مطیع کسی هستم که مطیع من است، من بخشنده کسی هستم که تقاضای بخشش کند. این ماه، ماه من و بنده، بنده من، و رحمت، رحمت من است. پس هر کس مرا در این ماه بخواند اجابتش می‌کنم، و هر کس از من چیزی طلب کند به او عطا کنم و هر کس از من طلب هدایت کند، او را هدایت می‌نمایم. و این ماه را ریسمانی بین خود و بندگانم قرار دادم، پس هر کس بدان چنگ زند به من می‌رسد

کانون قرآن و عترت (ع) با همکاری
کانون شعر و ادب دانشگاه هنر اسلامی تبریز
به مناسبت میلاد مولی الموحّدین؛

حضرت علی (ع) برگزار میکند:
مسابقه کتاب خوانی آخرین فرستاده



مهلت ثبت نام
تا ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۹



میزبان

شروع: پنجشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۹
مصادف با میلاد حضرت امام علی (ع)
روز مسابقه: پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۹
مصادف با مبعث حضرت رسول اکرم (ص)

ویژه: اساتید، کارکنان و دانشجویان
دانشگاه هنر اسلامی تبریز

#کتاب بخوانیم

جهت ثبت نام به شماره ۰۹۰۵۷۰۷۵۷۱۶ در واتساپ و یا پیج اینستاگرامی artuniversityoftabriz پیام بدهید
به همراه ۹ جایزه نفیس

فایل پی دی اف کتاب در کانال تلگرامی کانون قرآن و عترت موجود میباشد





يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ